به نام خدا

چگونگي ساماندهي اطلاعات سايت ـ پيشنهادات (2) ـ 28/12/1390

# اما درباره دو نكته‌اي كه فرموديد:

1. ساماندهي حجم زياد اطلاعات (فيش‌هاي بر اساس قالب) با حفظ كثرت و وحدت

2. استانداردسازي اصطلاحات (برچسب‌ها)

در متني كه خدمت شما ارسال كرده بودم

توجهي به هر دوي اين مشكلات داشتم

ولي به اجمال طرح شد و تفصيلاً بيان نگرديد

# اما مشكل اول:

پيشنهاد بنده اين بود كه «جستارها» محور وحدت قرار بگيرد

البته با تبديل شدن به «پرونده»

شما پرونده‌هاي خوبي هم‌اكنون در سايت داريد

بايد پرونده‌ها را توسعه دهيم

به نحوي كه هر چند جستار تبديل به يك پرونده واحد شود

كثرت اطلاعاتي كه شما در اختيار داريد

در سه محور قابل توجه است:

## 1. موضوع اطلاع

## 2. قالب اطلاع

## 3. مشخصه‌هاي اطلاع

البته شايد بيشتر از اين بتوان محور تعيين كرد

ولي بنده اين را با توجه به ساختار اطلاعاتي سايت شما بيان كردم

شما موضوع را بر اساس برچسب‌ها شناسايي مي‌كنيد

قالب‌ها هم همان تنوّع اطلاعاتي شماست؛ قرآن، حديث، شعر، كلمات قصار، تاريخ، ادبيات و...

و مشخصه‌هاي اطلاع آن دسته از ويژگي‌ها هستند

كه وابستگي به همان اطلاع خاص دارند، مانند:

تاريخ بيانات

مناسبت

مكان ديدار

شركت‌كنندگان در ديدار و...

ما بايد اين سه محور را ملاك طراحي نظامي قرار دهيم

كه مي‌خواهد تمامي داده‌ها را با حفظ كثرت به وحدت برساند

البته كه محور وحدت همان موضوع خواهد بود

يعني به قول آسيدمنير تقسيم شامل ما «نظام موضوعات» است

و تقسيم مشمول «قالب‌ها»

در در نهايت نقش تبعي را محور «مشخصه‌ها» بازي خواهد كرد

مشخصه‌ها در آخرين نماي اطلاعات به استحضار كاربر خواهد رسيد

و البته اگر كاربري بخواهد بسيار تبعي به اطلاعات سايت نگاه كند

به دنبال جستجوي تاريخي يا مناسبتي خواهد رفت

زيرا مناسبت‌ها را هم ما در موضوعات جاي مستقل برايش خواهيم داشت

يعني محور «مشخصه‌ها» تنها براي كاربردهاي خيلي ضعيف به كار خواهد آمد

مثلاً پژوهشگري كه نياز به داده‌هاي بسيار خام دارد و نمي‌خواهد برداشت‌هاي ما را ملاك قرار دهد

## پس:

فرآيند همان‌گونه كه در نموداري قبلاً براي شما ارسال كرده بودم (فلوچارت افقي)

از داده‌هاي خام شروع مي‌شود

و پس از تبديل انواع داده به يكديگر (فيلم به صوت، يا صوت به متن و...)

تقطيع شده و برچسب‌گذاري مي‌شود

فرآيند ديگري برچسب‌ها را «تناسب‌سازي‌« مي‌نمايد

و گروه‌هاي برچسبي را شكل خواهد داد

(شبيه به كاري كه در نظام اصطلاحات و درختواره انجام مي‌شود)

در نهايت هر گروه برچسبي حول يك اصطلاح واحد

تبديل به يك «جستار» خواهد شد

چند جستار، يعني چند اصطلاح كه ارتباط محتوايي قوي با يكديگر دارند

يك جرياني را ايجاد مي‌كنند كه شما نامش را‌ «پرونده» گذاشته‌ايد

(البته ممكن است گاهي فقط يك جستار واحد پرونده تشكيل دهد)

اكنون ما يك پرونده داريم كه بر اساس جستارها و برچسب‌هاي تابع هر جستار

حجم مشخصي از اطلاعات را گرد آورده است

در قالب‌هاي گونه‌گون؛ قرآن، حديث، مصاحبه، نقد، تصوير، كاريكاتور و...

اكنون كاربر پرونده را مي‌گشايد

چند سرفصل مي‌بيند

هر سرفصل شامل حجمي از داده‌هاي مرتبط است

قالب‌ها را مي‌‌بيند

و به اطلاعات دسترسي پيدا مي‌كند

در اين روند حتي قالب‌هاي توليدي، مانند: نمودارها و پاورپوينت‌هايي كه شما طراحي خواهيد كرد

در تفسير و توضيح فرمايشات و بيانات

نيز جاي خواهند داشت

پس اين وحدت شكل گرفت

بدون اين‌كه به كثرت آسيب بزند

حالا اگر كسي بخواهد از محور اصلي «موضوعات» صرف نظر نمايد

و مستقيم به سراغ محور فرعي «قالب‌ها» بروند

مي‌تواند مستقيم برود به بخش قرآن مثلاً

و در آن‌جا برچسب‌ها را مشاهده كرده و اطلاعات خود را بيابد

كه البته اين نيز كاربردي فرعي از سايت خواهد بود

چرا كه كاربرد اصلي سايت همان محور اصلي است

محور فرعي براي كاربردهاي سطح پايين‌تر

و محور تبعي (مشخصه‌هاي اطلاع) براي كاربردهاي بسيار ضعيف

ما هم به كسي توصيه نخواهيم كرد سُرنا را از سر گشادش بزند

فضا را به‌گونه‌اي مي‌چينيم كه «پرونده‌ها» در صدر توجه باشند

چرا كه اگر مثلاً كسي به دنبال كلمات قصار هم بگردد

حتماً ابتدا موضوعي را در نظر دارد، مانند: بيداري اسلامي، علوم انساني، تحوّل در حوزه

پس بايد از محور اصلي شروع كند

# اما مشكل دوم:

براي استانداردسازي برچسب‌ها

دو مرحله كار مشخصاً وجود دارد

ابتدا توليد برچسب

و ديگر سازماندهي برچسب‌ها

## توليد برچسب

در محور اول سؤال اصلي اين است كه آيا ما مي‌توانيم دست كارشناس خود را ببنديم

در گزينش برچسب‌ها

يا بايد ذهن او را آزاد بگذاريم تا هر چه مي‌خواهد برگزيند

### اگر روش اول را برويم

ريزش داده زيادي خواهيم داشت

چرا كه كارشناس تبديل به يك گزينش‌گر مي‌شود

كه اگر برچسبي را نيافت

چون هزينه توليد برچسب را بالا برده‌ايم (با قوانين و شوراي اصطلاحات)

ترجيح مي‌دهد از برچسب‌هاي موجود استفاده كند

و طبيعتاً پاره‌اي برداشت‌ها را رها مي‌كند

### اگر گزينه دوم را برگزينيم

طبيعتاً مرحله ساماندهي برچسب‌ها دشوارتر خواهد شد

پيشنهاد بنده به طور مشخص در نگاره قبلي اين بود

كه ما يك بستر خام از برچسب‌ها درست كنيم

با گزارش‌گيري‌هاي ديتابيسي كه عرض شد

و با حذف واژه‌هايي كه معنايي عام دارند

پس ما در مرحله اول يك حوضچه‌اي از برچسب‌ها خواهيم داشت

كارشناسان بايد از اين حوضچه گزينش كنند

اما هر لحظه كه تمايل داشتند

اگر برچسبي را نيافتند

اجازه داشته باشند فوراً آن را به حوضچه بيافزايند

و به فيش مورد نظر متصل كنند

شوراي اصطلاحات طبيعتاً تبديل به يك كميته خواهد شد

يك گروه كاري

نه فقط يك گروه سخنران

يك تيم كه تمام حوضچه برچسب‌ها را در پيش روي خود بگذارد

و مترادف‌يابي و مشابه‌يابي كند

و متناسب‌سازي‌ها را انجام دهد

تا هر مجموعه از برچسب را به يك جستار واحد متصل سازد

جستار لزوماً اصطلاحي خاص است كه نقشي محوري در فرمايشات رهبري داشته

و احكامي متوجه آن شده است

همين كارگروه در مرحله بعد «پرونده‌ها» را شكل خواهد داد

تمامي داده‌ها هم به صورت خودكار به پرونده‌ها متصل خواهد شد

زيرا با برچسب مشخص شده‌اند

### اكنون اگر كسي وارد سايت شود

با صدها پرونده روبه‌رو خواهد شد

كه به صورت موضوعي او را به اطلاعاتي رهنمون مي‌گردند

كه در قالب‌هاي گوناگون نظم يافته (قرآن، حديث و...)

البته كه پاره‌اي برچسب‌ها

در چندين جستار و پرونده توان حضور دارند

خب باشند

اين هم نعمتي است

يعني يك اطلاع يا فيش در چندين پرونده شرف حضور خواهد يافت

### در طراحي بانك اطلاعات، اما

هر فيش تنها يك مكان اشغال خواهد كرد

پس ما ديتابيسي خواهيم داشت كه بخش‌هاي اصلي آن به شرح ذيل است:

1. جدول پرونده‌ها

2. جدول جستارها (برچسب‌هاي ويژه) و اتصال آن‌ها به پرونده‌ها

3. جدول برچسب‌ها و اتصال به جستارها

4. جدول عنوان فيش و اتصال به برچسب‌ها

5. جدول داده كامل فيش (متن يا صوت يا فيلم يا ...) و اتصال به عنوان فيش

6. جدول مشخصه‌ها (اطلاعات زماني و مكاني و مناسبتي و سفرها و ...) و اتصال به داده اصلي (تفصيلي)

7. جدول داده‌هاي اصلي (بيانات، ديدارها، خبرها و...)

طبيعتاً مشخصه‌هاي فيش همان مشخصه‌هاي داده اصلي است

لذا اين مشخصه‌ها به همان داده اصلي متصل خواهد بود

داده‌هاي اصلي همان داده‌هاي خام تقطيع‌نشده است

كه ضرورتاً بايد در سايت وجود داشته باشد

زيرا هويّت اثر و نشر به آن منوط است

## براي استانداردسازي برچسب‌ها

به نظر بنده بايد همان كارگروهي كه كار را برعهده گرفت

تصميم بگيرد

آن هم با كار بر روي برچسب‌ها در عمل

كار نظري زيادي نمي‌شود انجام داد

بايد حوضچه برچسب‌ها را در برابر ديدگان‌شان بگسترند

همين كساني كه عضو تيم كاري هستند

و شروع به دسته‌بندي و واژه‌گزيني كنند

و در حين اين عمليات

طبيعتاً به قوانين و قواعدي دست خواهند يافت

كه بر روي كاغذ مي‌نويسند و نصب‌العين خود مي‌كنند

كه در مراحل بعدي

روند يك‌دستي بر تمام فرآيند حاكم بماند

اميدوارم نگارش فوق براي اسلام و انقلاب مفيد باشد

و ذخيره آخرت نگارنده قرار گيرد.

سيدمهدي موسوي موشَّح

24 ربيع‌الثاني1433

نگاهي خلاصه:

# اما درباره دو نكته‌اي كه فرموديد:

# اما مشكل اول:

## 1. موضوع اطلاع

## 2. قالب اطلاع

## 3. مشخصه‌هاي اطلاع

## پس:

# اما مشكل دوم:

## توليد برچسب

### اگر روش اول را برويم

### اگر گزينه دوم را برگزينيم

### اكنون اگر كسي وارد سايت شود

### در طراحي بانك اطلاعات، اما

## براي استانداردسازي برچسب‌ها